

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ذائقہ و کبیر

اهداف کلی درس

آشنایی با مضامین و مفاهیم اصلی شعر: عدم تقلید کورکورانه
توانایی بررسی قلمروهای زبانی، ادبی و فکری شعر

معرفی

عنوان پایه: یازدهم تجربی

عنوان درس: فارسی (۲)

عنوان مبحث: درس دوم: شعرخوانی

مدرس: خانم تیموری

دبیرستان: فرزندگان کوهدشت

مهرماه ۱۳۹۹

زراغ و گبک

➤ در این شعر، زراغ، نماد انسان های مقلد است.

➤ قالب شعر: مثنوی

➤ سخن: روانی - داستانی

➤ نوع ادبی: تعلیمی

➤ محتوا و مضمون: پرسنیز از تقلید کورکورانه

➤ ضرب المثل های هم مفهوم با مضمون شعر: پی تقلید رفتن از کوری است / کلاغ خواست راه رفتن گبک را بیاموزد، راه رفتن خود را نیز فراموش کرد...

➤ شاعر: نورالدین محمد جامی، شاعر قرن نهم.

زاغ و کبک

❖ زاغی از آنجا که فراغی گزید / رخت خود از باغ به راغی کشید

- **قلمرو زبانی:** ۲ جمله (جمله مصرع اول وابسته یا پیرو) / مصرع دوم: جمله هسته یا پایه / زاغ: نهاد / آن جا: ترکیب وصفی در نقش متمم قیدی / که: حرف ربط وابسته ساز / فراغی: مفعول / گزید: بگزید (مضارع التزامی) / رخت: مفعول / خود: مضاف الیه / باغ: متمم / به راغی: متمم / ترکیب وصفی: آن جا - ترکیب اضافی: رخت خود / زاغ: پرنده ای شبیه به کلاغ / فراغ: آسایش، آسودگی (هم آوا، فراق: جدایی) / رخت: لباس و جامه، کالا، بار و بنه / راغ: مرغزار، سبزه زار، دامنه سبز کوه (از واژگان متروک و محذوف است) / باغ و راغ: رابطه معنایی تناسب.
- **قلمرو ادبی:** قالب: مثنوی / ذوالقافیتهین (بیت دو قافیه دارد: فراغی و راغی، گزید و کشید) / زاغ، راغ، باغ، فراغ: جناس ناهمسان / فراغ، راغ: جناس ناهمسان / رخت کشیدن: کنایه از کوچ کردن / واج آرایبی: «الف»، «غ» / تشخیص و استعاره زیرا زاغ «رخت» دارد.
- **قلمرو فکری:** زاغی برای یافتن آسایش و راحتی خود، بر آن شد که از باغ به صحرا برود.
- **مفهوم:** راحت طلبی زاغ و نقل مکان کردن او.

زاغ و گلبک

❖ دیدکی عرصه به دامان کوه / عرضه ده مخزن پنهان کوه

- ❖ **قلمرو زبانی:** شیوه بلاغی / ۲ جمله / یکی عرصه: مفعول / به: در / دامان کوه: متمم قیدی: دامنه کوه / کوه: م الیه / عرضه ده مخزن پنهان کوه: گروه مسندی، عرضه ده: صفت فاعلی مرکب مرخم: صفت جانشین اسم / حذف فعل «بود» به قرینه معنایی / ترکیب وصفی: یکی عرصه، مخزن پنهان / ترکیب اضافی: دامان کوه، عرضه ده مخزن، مخزن کوه / مصرع دوم: (عرصه ای: نهاد محذوف) / عرضه ده مخزن پنهان کوه: گروه مسندی / (حذف فعل «بود» به قرینه معنایی) / عرصه: میدان، زمین، پهنه / دامان: دامنه / عرضه ده: ارائه دهنده، نمایانگر / مخزن: گنجینه .
- ❖ **قلمرو ادبی:** عرصه، عرضه: جناس ناهمسان / مخزن: استعاره از گل های رنگانگ / واج آرایی مصوت کوتاه کسره و «ه»
- ❖ **قلمرو فکری:** دشت پهناوری را در دامنه کوه دید، عرصه ای که ارائه دهنده گل ها و سبزه های آن نمایانگر گنج پنهان در دل کوه است.
- ❖ **مفهوم:** توصیف زیبایی و سرسبزی دامنه کوه

❖ نادره لگبی به حال تمام / شاهد آن روضه فیروزه فام

▪ **قلمرو زبانی:** ۱ جمله (حذف فعل «بود» به قرینه معنایی: شاهد (بود) / نادره. کمیاب ، نادره کبک: ترکیب وصفی مقلوب (کبکی نادره) / کبک: نهاد/ به جمال تمام: گروه مشتقی ، جمال تمام: ترکیب وصفی / جمال: زیبایی / شاهد: زیارو ، مشاهده کننده، بیننده / روضه: باغ، گلزار (جمع آن: ریاض، روضات) / فام: رنگ / فیروزه فام: به رنگ فیروزه، فیروزه رنگ: فیروزه از سنگ های گران بها در معنی به رنگ آبی آسمانی / فام: پسوند شباهت به معنی مانند و رنگ و شبیه. / ترکیب وصفی: نادره کبک، ، جمال تمام ، آن روضه ، روضه فیروزه فام / ترکیب اضافی: شاهد روضه.

قلمرو ادبی: شاهد: ایهام دارد. ۱. بیننده ۲. زیارو و معشوق / فیروزه فام: کنایه از سرمسبز / تشبیه: (روضه) باغی که رنگ آن به رنگ سنگ فیروزه بود / شاهد در معنی زیارو و معشوق: تشبیه کبک به شاهد / شاهد و جمال: تناسب / واج آرایبی: مصوت کسر.

قلمرو فکری: کبک بسیار زیبا و بی نظیری که محبوب و زیاروی آن باغ سرمسبز به شمار می رفت.

مفهوم: بیان زیبایی کبک **نکته:** روضه تحول معنایی دارد: در گذشته: باغ و گلزار ، امروزه: مرثیه

❖ هم حرکاتش متناسب به هم / هم خطواتش متقارب به هم

- **قلمرو زبانی:** ۲ جمله / حذف فعل «بود» به قرینه معنایی در هر دو مصرع / هم: حرف پیوند هم‌پایه‌ساز / حرکاتش: گروه نهادی، ضمیر «ش»: مضاف‌الیه / متناسب به هم: گروه مسندی / (بود: فعل اسنادی محذوف) / نقش های دستوری مصرع دوم نیز مانند مصرع اول است / متناسب: هماهنگ / خطوات: ج خطوه، گام‌ها، قدم‌ها / متقارب: نزدیک به هم، در کنار هم.
- **قلمرو ادبی:** ترصیح / واج آرابی: «م و ت» / تکرار با واژه‌آرابی «هم» / کنایه: متقارب بودن خطوات: موزون و هماهنگ راه رفتن / مراعات‌نظیر: حرکات و خطوات.
- **قلمرو فکری:** هم حرکاتش موزون و هماهنگ بود هم گام‌هایش نزدیک به هم و زیبا.
- **مفهوم:** موزون بودن راه رفتن.

❖ زاغ جوید آن ره و رفتار را / وان روش و جنبش هموار را

- ❖ **قلمرو زبانی:** ۲ جمله، این بیت جمله وابسته یا پیرو است، بیت بعدی جمله هسته و پایه است / شیوه بلاغی / زاغ: نهاد / چو: حرف ربط وابسته ساز: وقتی که / آن ره: ترکیب وصفی / ره: راه: مفعول / روش و رفتار: هم خانواده / واو: عطف / رفتار: معطوف به مفعول / واو: ربط / آن روش و جنبش هموار: ۴ ترکیب وصفی / روش: مفعول / جنبش: معطوف به مفعول / ترکیب وصفی: آن ره، آن رفتار، آن روش، آن جنبش، روش هموار، جنبش هموار / ترکیب اضافی: ندارد / چو: هنگامی که / ره و رفتار: راه رفتن و حرکت کردن / روش: راه رفتن، شیوه / جنبش: حرکت / این بیت و بیت بعد، موقوف المعانی دارند / روش و رفتار: رابطه معنایی مترادف.
- ❖ **قلمرو ادبی:** قافیه: رفتار، هموار / ردیف: را / ره ، رفتار و روش: اشتقاق / واج آرای: صامت «ر» / مراعات نظیر: ره، رفتار، روش، جنبش.
- ❖ **قلمرو فکری:** زاغ هنگامی که راه رفتن و شیوه زیبا و هماهنگ کبک را دید... با بیت بعدی «موقوف المعانی» دارد.

❖ بازکشید از روش خویش پای / دینی او کرده تقلید جای

➤ **قلمرو زبانی:** ۲ جمله / این بیت جمله «هسته پا پایه» برای بیت قبلی است / شیوه بلاغی در هر دو مصرع/ بازکشید: فعل / پای: مفعول (پای باز کشیدن: فعل کنایی) / روش: متمم / خویش: م الیه / پی: متمم / او: مضاف الیه / تقلید: متمم / جای کرد: فعل / در پی: به دنبال / تقلید: پیروی / «ی» در پای و جای، «الحاقی» است / ترکیب وصفی: ندارد / ترکیب اضافی: روش خویش، پی او.

➤ **قلمرو ادبی:** کنایه: پای باز کشیدن : ترک کردن، رها کردن / جناس ناهمسان: پای و جای ، پای و پی (عده ای کلمات مخفف را جناس حساب نمی کنند) / کنایه: در پی کسی پای جای کردن: کنایه از پیروی کردن/ پا: ابهام (۱). عضوی از بدن ۲. مفهوم کنایی پا باز کشیدن: منصرف شدن) / واج آرایبی: «ش»، «ی». / می توان «پی» را ابهام تناسب در نظر گرفت: ۱. در بیت، به «دنبال» معنی می دهد (ق.ق.)، ۲. در معنی «پا» با روش و پا تناسب دارد. (غ.ق.ق).

➤ **قلمرو فکری:** زاغ از رفتار و شیوه راه رفتن خود دست کشید و از کبک تقلید کرد.

➤ **مفهوم:** تقلید و پیروی کورکورانه

❖ بر قدم او قدمی می کشید / وز قلم او ر قمی می کشید

❖ **قلمرو زبانی:** ۲ جمله / رقم: خط و نوشته / رقم کشیدن: نقاشی کردن و رسم کردن / قدم کشیدن: راه رفتن / و: واو ربط / قلم: متمم / او: م الیه / رقمی: مفعول / ترکیب وصفی: — / ترکیب اضافی: قدم او ، قلم او.

❖ **قلمرو ادبی:** می کشید: جناس همسان (کشیدن نخست: حرکت کردن، کشیدن دوم: رسم کردن، نقاشی کردن) / تشخیص: رقم کشیدن زاغ از قلم کبک / قدم، قلم: جناس ناهمسان و مجاز / قلم، رقم، می کشید: مراعات نظیر / واج آرایبی: (ق، م، د، ی) / واژه آرایبی یا تکرار: قدم / رقمی کشید: نوشتن، نگاشتن / کنایه: قدم بر قدم کشیدن، از قلم او رقمی کشیدن: کنایه از پیروی کردن / موازنه (تنها اختلاف، در واژگان اول است (بر، وز)) / ایهام تناسب: ۱. نوشته (ق.ق) ۲. ساق پا (غ.ق.ق) با پا تناسب دارد.

❖ **قلمرو فکری:** زاغ مانند کبک راه میرفت و از روی نوشته او نقاشی می کرد (از او پیروی می کرد).

❖ **مفهوم:** تقلید کورکورانه.

❖ دینی اش القمه در آن مرغزار / رفت بر این قاعده روزی سه چار

- **قلمرو زبانی:** ۱ جمله / شیوه بلاغی / پی اش: گروه متممی، ضمیر «ش»: مضاف الیه / القصه: القصه، خلاصه، نقش دستوری قید / مرغزار: چمنزار، سبزه زار، علفزار / آن مرغزار: ترکیب وصفی، مرغزار: متمم / قاعده: روش / بر این قاعده: ترکیب وصفی، قاعده: متمم (در مجموع: بر این قاعده: متمم قیدی) / روزی سه چار: ترکیب وصفی مقلوب (سه چهار روز) در نقش قید زمان / ترکیب وصفی: آن مرغزار، این قاعده، سه چهار روز / ترکیب اضافی: پی اش / مرغزار: از واژگان «محدوف» است.
- **قلمرو ادبی:** رفتن در پی کسی: کنایه از تقلید و پیروی کردن / مراعات نظیر: سه و چهار / واج آرایشی: «الف»، «ر» / سه چهار روز: می توان «مجاز» از مدت زمانی کوتاه در نظر گرفت: حدود سه چهار روز.
- **قلمرو فکری:** خلاصه کلاغ در آن چمنزار، چند روز به این شیوه از کبک پیروی کرد.
- **مفهوم:** پیروی و تقلید زاغ از کبک

❖ حاقبت از خامی خود سوخته / رحروی گبک نیاموخته

- **قلمرو زبانی:** ۲ جمله / شیوه عادی / عاقبت: قید / از خامی خود: گروه متممی: خود: مضاف الیه، از: به سبب، خامی (ی) در خامی، «ی» مصدری است: خام بودن / سوخته: مسند / (حذف فعل «شد» به قرینه معنایی) / رهروی: راه رفتن گبک: گروه مفعولی: گبک: مضاف الیه / نیاموخته (بود): فعل ماضی بعید با حذف بخش کمکی فعل «بود».
- **قلمرو ادبی:** خامی: کنایه از بی تجربه و نادان بودن / متناقض نما: سوختن از خامی / واج آرایی: صامت «خ» / سوخته: کنایه از کسی که محنت و رنج بسیار دیده / کنایه: از خامی سوختن: ضرر و زیان دیدن، دچار درد و رنج شدن.
- **قلمرو فکری:** سرانجام زراغ به خاطر بی تجربگی اش، زیان دید و شیوه راه رفتن گبک را نیز نیاموخت.
- **مفهوم:** ضرر دیدن و بی حاصل بودن تقلید کورکورانه، اتمام تقلید.

❖ کرد فرامش ره و رفتار خویش / ماند غرامت زده از کار خویش

- **قلمرو زبانی:** ۲ جمله / شیوه بلاغی در هر دو مصرع / فرامش: فراموش / فراموش کرد: فعل / ره و رفتار: راه رفتن و حرکت کردن: مفعول / خویش: مضاف الیه / غرامت زده: تاوان زده، کسی که غرامت کشد، پشیمان (از واژه‌های محذوف) / ماند: شد (معادل فعل اسنادی) / غرامت زده: صفت مفعولی مرکب در نقش دستوری مسند / کار خویش: گروه متممی، کار: متمم، خویش: مضاف الیه. ترکیب وصفی: ندارد / ترکیب اضافی: ره خویش، رفتار خویش، کار خویش.
- **قلمرو ادبی:** واژه‌آرایی: خویش / ره و رفتار: تناسب / واج‌آرایی: «ر، الف».
- **قلمرو فکری:** زراغ شیوه راه رفتن خود را نیز فراموش کرد و به خاطر تقلید نسنجیده خود، زیان دید.
- **مفهوم:** نکوهش تقلید کورکورانه

تحد الأحرار، جامی (تحفه: هدیه / احرار: جمع حر): آزادگان، جوانان)

درک و دریافت:

۱) این سروده را از دید لحن و آهنگ خوانش بررسی نمایید.

پاسخ: لحن این سروده باید روایی - داستانی، آهنگ آرام و ملایم (ایات ۷، ۸، ۹ و ۱۰) و تعلیمی و اندرزی (۹ و ۱۰) باشد؛ البته برخی ایات باید با لحن توصیفی خوانده شوند (ایات ۳، ۴ و ۵)

۲) با توجه به قلمرو فکری شعر، درباره ریشه‌های پیامدهای تقلید نابه‌جا و کورکورانه، گفت‌وگو کنید.

پاسخ: تقلید نسنجیده و نامطلوب سبب می‌شود که انسان، متضرر شود و مانع تعقل و تفکر و سد راه تکامل آدمی است.

بس از این عمر سرسری که به تقلید زیستی **** نظری کن به خویش ناز کجایی و کیستی؟



پایان



- لحظه‌هایتان پر از نگاه خدا